

## دکترین جهادی شهید سلیمانی در تقابل با دکترین نظامی آمریکا

### فتح‌الله کلانتری<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

### چکیده

دکترین نظامی راهنمای عمل و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، نظریات و اندیشه‌های اصولی و بنیادین مبتنی بر استدلال‌های علمی و تجربی است که محیط ملی و بین‌المللی را باتوجه به قابلیت‌ها و منافع ملی، تهدیدات نظامی، روند تحولات منطقه‌ای و جهانی، قدرت نسبی نظامی خودی و سایر ملاحظات امنیتی، تبیین می‌نماید. هدف اصلی این مقاله، تبیین دکترین جهادی شهید سلیمانی برای مقابله با دکترین نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا می‌باشد. این مقاله، از نوع کاربردی بوده و به روش زمینه‌ای - موردی انجام شده است و جامعه آماری آن ۵۰ نفر بود. روش جمع‌آوری اطلاعات، میدانی و کتابخانه‌ای است. دکترین نظامی آمریکا فرار از تنش نظامی است. بر اساس یافته‌های تحقیق، آمریکا هفت نوع دکترین نظامی در منطقه غرب آسیا اجرا نموده که چهار نوع آن کاملاً شکست خورده و سه نوع آن ناموفق بوده است. در دکترین جدید آمریکا میان تهدید نظامی و اقدام نظامی تفکیک وجود دارد، بعد تهدیدها افزایش یافته است، درحالی‌که اقدام‌های نظامی کاهش چشمگیری داشته است. بر اساس نتایج تحقیق، دکترین جهادی شهید سلیمانی که برگرفته از مبانی دینی، دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه جهادی امامین انقلاب اسلامی بوده موجب شکست هژمونی و قدرت آمریکا در منطقه شد. شهید سلیمانی بنیان‌گذار دکترین دفاعی تهاجم‌پایه و دکترین بازدارندگی آتش‌به‌اختیار بود. راهبرد «سرباز بدون مرز» یعنی تشکیل یک نیروی جهادی چندملیتی برای عمق‌بخشی دفاعی در فرامرزها. سردار سلیمانی با هزینه کم، شبکه‌های بومی از نیروهای محلی را با هدف بازدارندگی و دفاع از کشورهای دوست ایجاد کرد، این اقدام یک شاهکار نظامی پیشرفته، هوشمند و راهبردی محسوب می‌شود.

**واژگان اصلی:** دکترین، دکترین نظامی، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، شهید سلیمانی.

<sup>۱</sup> استادیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

همان‌طور که در بیان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و در بیانیه شهادت ایشان آمده بود، شهید حاج قاسم پیرو مکتب حضرت امام خمینی (ره) بود و از این نظر هر آنچه در آموزه‌های دینی و سیاسی، اجتماعی آمده بود در وجود و رفتار این شهید تجلی داشت (زارعی، ۱۳۹۸: ۸). شهید سلیمانی به‌عنوان شاگرد این مکتب توانست جامع ارزش‌های اخلاق فردی و اجتماعی باشد و این امر اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا این وجه امتیاز «دین‌داری انقلابی» از «دین‌داری عافیت-طلبانه» و هم از «انقلابیگری سکولار» است. شهید سلیمانی نمونه موفق از جمع بین «معنویت دینی» و «جامعه‌گرایی» ارائه کرد؛ عرفان را با سیاست و مبارزه گره زد و در مقام عمل آن را در حوزه نظامی نیز اعمال کرد<sup>۱</sup>. همچنین می‌توان بیان کرد که شهید سلیمانی شخصیتی متدین بود؛ اما به افکار تحجرآمیز آلوده نبود. ایشان شخصیتی نواندیش و مبتکر بودند اما به تجددمآبی آلوده نبود و همان‌طور که در بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره شهید سلیمانی بیان شد، معظم‌له شهید سلیمانی را تربیت‌یافته اسلام و مکتب امام خمینی معرفی کردند و فرمودند: «به شهید حاج قاسم به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس/آموز نگاه کنیم.» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷). دکتربین دارای ابعاد نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره است. شهید سلیمانی هم‌زمان در ابعاد فرهنگی، سیاسی و نظامی به‌صورت شبانه‌روزی موفق عمل می‌کرد؛ لذا در این مقاله از آن به‌عنوان دکتربین جهادی که شامل بُعد فرهنگی، سیاسی و نظامی است یاد می‌شود. این دکتربین به‌علت ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی همواره در تقابل با دکتربین نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا بوده است.

## ۱- بیان مسئله

فهم الزامات و مقتضیات محیط امنیتی تأثیر مستقیمی در دکتربین نظامی منطقه‌ای ما خواهد داشت. جایگاه محوری ایران در منطقه آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و غرب آسیا و همچنین

۱- سخنرانی دکتر جمیله علم‌الهدی، مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

مشکل هویتی ایران و آمریکا، بیشترین بار تغییرات محیطی را بر جمهوری اسلامی ایران وارد کرده است و درعین حال، رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر صفت‌بندی‌های منطقه‌ای تأثیر جدی دارد. بر این اساس، شناخت دکترین نظامی، امری ضروری و حیاتی است. مبنا و اساس دکترین جهادی شهید سلیمانی مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه بود، چنانچه این موارد محقق می‌شد:

۱. آمریکا در لبنان پایگاه نظامی داشت و مقاومت حزب‌الله وجود نداشت؛
  ۲. آمریکا در عراق پس از نبرد میدانی ۲۰۰۳ به پیروزی نهایی رسیده بود و مقاومت داخلی در عراق بر ضد اشغالگری شکل نگرفته بود؛
  ۳. آمریکا در جنگ هفت‌ساله سوریه غلبه کرده بود و اینک حکومتی متحد غرب و صهیونیسم در آنجا حاکم بود و داعش و دیگر گروه‌های تروریستی هم مجال فعالیت و توسعه ارضی داشتند؛
  ۴. آمریکا در افغانستان و همچنین به مدد سعودی‌ها در یمن به پیروزی رسیده بود.
- در آن صورت، وضعیت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه بود؟ آیا تا به حال جنگ مستقیم آمریکا علیه ایران عملیاتی نشده بود؟ موارد فوق فقط بخشی از دکترین و طرح‌های نظامی آمریکا برای تسلط بر منطقه و تهدید قدرت و سپس موجودیت جمهوری اسلامی ایران بوده است. اگر ایران با مدیریت جهادی شهید سلیمانی در این عرصه‌ها فعال نبود، بدون شک آمریکا در منطقه هژمون نظامی مطلق بود؛ لذا آنچه که به عنوان مسئله اصلی تحقیق، ذهن محقق را به خود معطوف نموده این است که دکترین جهادی شهید سلیمانی چگونه توانست دکترین نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا را شکست دهد؟

## ۲- مبانی نظری تحقیق

### ۲-۱- پیشینه‌شناسی

چند مقاله علمی - پژوهشی که با این پژوهش ارتباط دارد به شرح زیر است:  
الف) مقاله‌ای با عنوان «دکترین نظامی و فرایند شکل‌گیری آن»، به قلم محمدحسین قنبری

جهرمی نوشته شده است. نتیجه مقاله این است که اتخاذ دکترین نظامی کارآمد برای پاسخ به تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران به آینده‌اندیشی نیاز دارد و بخشی از این آینده‌اندیشی از درس‌ها و تجارب جنگ گذشته به دست می‌آید. (قنبری جهرمی، ۱۳۸۷: ۸۱).

ب) مقاله‌ای با عنوان «دکترین نظامی چگونه شکل می‌گیرد»، به‌همت محمدرضا لونی نوشته شده است. نتیجه مقاله این است که دکترین پاسخی است برای چگونه عمل کردن، دکترین نظامی خطوط و تابلو راهنمایی است که برای حرکت در مسیر راهبرد باید مورد توجه قرار گیرد. (لونی، ۱۳۸۹: ۶۵).

پ) مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیک در تعیین دکترین نظامی»، به‌همت عبدالعلی پورشاسب نوشته شده است. نتیجه مقاله این است که شاخص‌های ژئوپلیتیک شامل شکل هندسی، مساحت کشور، موقعیت جغرافیایی کشور، وضعیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران، موقعیت خلیج فارس و تنگه هرمز و جغرافیای نظامی کشور (جنبه‌های نظامی زمین) بر انتخاب نوع و تدوین دکترین نظامی مؤثر می‌باشند و مناسب‌ترین نوع دکترین نظامی با توجه به عوامل ژئوپلیتیک دکترین بازدارندگی - دفاعی است. (پورشاسب، ۱۳۹۷: ۷).

ت) مقاله‌ای با عنوان «ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهبد قاسم سلیمانی»، توسط محمد ظاهری نوشته شده است. در این مقاله، ابتدا با بهره‌گیری از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، فیلم‌ها و داده‌های متنی مرتبط با شهید ۴۴ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده و ۶ مضمون فراگیر ذیل عناوین «مشی سیاسی، مشی اقتصادی، مبانی اعتقادی، زمینه‌های فردی، زمینه‌های شغلی و مشی فرهنگی» استخراج شد، و سپس نویسنده با استفاده از رویکرد ساختاری تفسیری نسبت به سطح‌بندی اقدام کرد که مبانی اعتقادی به‌عنوان اثرگذارترین مضمون در سطح چهارم؛ زمینه‌های فردی در سطح سوم؛ مشی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سطح دوم و زمینه‌های شغلی به‌عنوان اثرپذیرترین مضمون در سطح اول قرار گرفت. (ظاهری، ۱۳۹۹: ۴۵).

دو عنوان از پیشینه‌های یادشده، نحوه شکل‌گیری دکترین نظامی را بیان کرده‌اند و یک مورد هم به بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیک در تعیین دکترین نظامی پرداخته است؛ بنابراین، هیچ‌کدام از آنها به مقایسه تطبیقی بین دکترین‌های نظامی نپرداخته‌اند. مقاله چهارم به بیان ویژگی‌های سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی و فردی شهید سلیمانی می‌پردازد، این مقاله از منظر ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی با این پژوهش اشتراکی دارد که از ادبیات و مبانی نظری آن استفاده شده است؛ بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر این است که به مقایسه تطبیقی بین دکترین جهادی شهید سلیمانی با دکترین نظامی آمریکا پرداخته است.

## ۲-۲- تعریف مفاهیم تحقیق

**آتش به اختیار<sup>۱</sup>:** در نیروهای مسلح، اصطلاحی با عنوان «آتش به اختیار» وجود دارد که به واسطه آن، برخی یگان‌های مسلح، این اجازه و اختیار را می‌یابند تا بدون هماهنگی با مرکز فرماندهی، به سوی هر جنبنده یا شیء پرنده‌ای آتش بگشایند. آتش به اختیار یعنی احساس مسئولیت افراد واجدالشرايط نسبت به مسائل جامعه و شناخت دقیق آنها از وظیفه و انجام درست آن به شکلی خودجوش و گونه‌ای که مغایر با قوانین و مقررات نباشد، در موضوعات مختلف اجتماعی، فرهنگی، دینی، ملی و بحران‌ها در جایی که به‌علت وجود اختلال یا کم‌کاری و سهل‌انگاری دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط کاری بر زمین مانده است. (سعیدی، ۱۳۹۷: ۳۸).

**ضربه اول<sup>۲</sup>:** راهبردی برای انجام یک حمله غافلگیرانه است؛ به گونه‌ای که توان و امکان حمله تلافی جویانه را از دشمن می‌گیرد. چنانچه ضربه اول با موفقیت همراه باشد، موشک‌های آماده پرتاب دشمن را از کار می‌اندازد و پایگاه‌های فرماندهی و نظارت و دپوهای دشمن را از بین می‌برد. (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۳۸۴).

**دکترین نظامی<sup>۳</sup>:** طبیعت دکترین نظامی از بالا به پایین بوده و به‌مثابه قواعد رفتار مجاز در مواجهه با رویدادها و مسائل، به بدنه و ذی‌نفعان سازمانی ابلاغ می‌شود. دکترین نظامی عبارت است از: اصول، خط‌مشی‌ها و افکار و عقاید قابل اجرا برای اقدامات نظامی که از تجربه یا نظریه سرچشمه گرفته و پس از اجماع به‌عنوان یک راهنما شناخته می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۳۳).

دکترین نظامی «مجموعه نظریات و تئوری‌هایی است که محیطی را که باید نیروهای مسلح در آن

1 - Weapons free- fire at will

2 -First Strike

3 - Military Doctrine

عمل کنند توصیف می‌کند و روش‌ها و شرایط به‌کارگیری آن نیروها را تعیین می‌کند (F.Horton and others, 1997:190)

انواع دکترین‌های به‌کار گرفته‌شده کشورها از لحاظ ماهیت عمل در دفاع از منافع ملی

دکترین آفندی، دکترین پدافندی، دکترین بازدارندگی، دکترین دفاع پیشگیرانه، دکترین تنش‌زدایی و حرکت به سمت کنترل تسلیحات (دانش آشتیانی، ۱۳۹۱: ۴۲-۴۸).

۲-۳- تبیین دکترین نظامی

اندیشه اصلی هر نیروی نظامی در قالب دکترین آن شناخته می‌شود. دکترین نظامی را امری ذهنی و مجموعه‌ای از اعتقادات و دانش دانسته‌اند که به تجربه اثبات شده است و چهارچوبی برای به‌کارگیری نیروها، تجهیزات و تاکتیک‌ها در جنگ ارائه می‌دهد. در جنگ‌های آینده، عقب‌ماندگی در سطوح جنگ، ساختار، روش‌ها و رویه‌های علمی جنگیدن و ایستایی یا عدم انعطاف دکترین نظامی، ممکن است با وجود نیروهای انبوه، فداکار و آماده شهادت، پیروزی بر دشمن مجهز به فناوری‌های نوین و پیشرفته را بسیار دشوار سازد. سطوح جنگ مرزبندی مشخصی ندارد و مرز دقیقی بین آنها تاکنون تعریف نشده است و خط‌کشی دقیق بین آنها قدری مشکل است. اغلب پس از یک دوره زمانی مشخص می‌شود که در زمان جنگ و صلح دکترین نظامی چگونه باید باشد. بین سطوح جنگ و دکترین نظامی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، جنگ و دکترین نظامی هر دو دارای سه سطح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی هستند.

دکترین نظامی «مجموعه نظریات و تئوری‌هایی است که محیطی را که باید نیروهای مسلح در آن عمل کنند توصیف می‌کند و روش‌ها و شرایط به‌کارگیری آن نیروها را تعیین می‌کند. (F.Horton and others, 1997:190) برای کسب آمادگی لازم در جنگ آینده باید علاوه بر مجهز شدن به تسلیحات پیشرفته، الگوهای علمی از دکترین و شیوه‌های نوینی از جنگیدن را با ساختار جدید و مناسب طراحی و تدوین نمود و با ابتکار و خلاقیت، روش‌ها و تاکتیک‌های جدید و متفاوتی را برای دفاع در مقابل تهدیدات نوپدید، به‌منظور پیشگیری از غافلگیری راهبردی، ابداع نمود. پویایی در دکترین و ساختار باعث خلق تاکتیک‌ها و روش‌های جدید جنگی می‌شود. دکترین نظامی مجموعه‌ای از نظریات و اندیشه‌های اصولی و بنیادین مبتنی بر استدلال‌های علمی و تجربی است که محیط ملی و بین‌المللی را با توجه به منافع ملی و شرایط سیاست جغرافیایی و

جغرافیای سیاسی کشور، تهدیدات نظامی، محدودیت‌های سیاسی، روند تحولات منطقه‌ای و جهانی، قدرت نسبی نظامی خودی، قابلیت‌های ملی و سایر ملاحظات امنیتی کشور برای کاربرد نیروهای نظامی مورد تجزیه و تحلیل، تشریح و توصیف قرار می‌دهد و روش‌های مقتضی و مناسب را با توجه به جمیع شرایط محیطی برای اتخاذ تدابیر کلی دفاعی در ابعاد داخلی و خارجی برای دستیابی به اهداف ملی، در زمان صلح یا جنگ توصیه و سیاست‌گذاران را هدایت می‌کند. (تهامی، ۱۳۸۴: ۲۵). با توجه به این تعریف که متفاوت از تعاریف سنتی دکترین نظامی است می‌توان کارکردهای اصلی دکترین نظامی را موارد ذیل دانست:

۱. تصویری از جنگ‌های آینده (راهبرد، ابزار، وسایل و روش‌های آماده‌کردن نیروهای مسلح

برای این جنگ‌ها)؛

۲. اندیشه به‌کارگیری نیروی نظامی برای دوری‌جستن از جنگ یا برپایی آن؛

۳. ایده استفاده از نیروی نظامی در حمایت از سیاست خارجی در زمان صلح؛

۴. تصویری از نقش نیروی نظامی در امور داخلی کشور. (رئوفی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۶۱).

در دکترین نظامی عوامل اصلی که باید مدنظر قرار داد عبارت‌اند از: فناوری نظامی، جغرافیای ملی، قابلیت‌های دشمنان و قابلیت‌های سازمان‌های خودی (Posen, 1984: 13).

۲-۴- سطوح دکترین نظامی

به‌طور کلی، دکترین را به دو بخش ملی و نظامی تقسیم‌بندی می‌نمایند و در بخش نظامی به سه سطح دکترین راهبردی، عملیاتی تاکتیکی تقسیم می‌شود (سامرز، ۱۳۷۱: ۹۸). دکترین نظامی در سطح راهبردی، هدایت نیروهای مسلح کشور (سپاه و ارتش) را در صحنه جنگ مطرح می‌کند، در سطح عملیاتی درباره هدایت نیروهای زمینی، هوایی و دریایی در صحنه عملیات است و در سطح تاکتیکی مربوط به هدایت یگان‌ها در میدان رزم است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۹). دکترین نظامی ملی یا سطح راهبردی دکترین نظامی (اغلب دکترین دفاعی گفته می‌شود)، قدرت نظامی کشور را با سایر ابعاد قدرت ملی هماهنگ می‌سازد و مبنایی است برای تصمیم‌گیری‌های دولتمردان در امور نظامی به‌گونه‌ای که اصول کلی و آیین و قواعد اساسی و مسیر حرکت کلی برای به‌کارگیری نیروهای مسلح را با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی کشور، اوضاع بین‌المللی و شرایط داخلی مشخص

می‌سازد. در واقع، اتخاذ سیاست تهاجمی یا تدافعی یا تکیه بر قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح با- توجه به ملاحظات مختلف، به‌خصوص دکترین نظامی پذیرفته‌شده کشور، صورت می‌گیرد. دکترین نظامی علاوه بر این که دارای سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی است در یک تقسیم‌بندی از نگاه نوع عملیاتی که اصول و قواعد آن را بیان می‌کند به انواع دکترین آفندی، دکترین پدافندی، دکترین بازدارنده، دکترین محیطی یا تک نیرویی، دکترین عملیات مشترک و دکترین عملیات مرکب تقسیم‌بندی می‌شود. نکته قابل توجه این که این تقسیم‌بندی در واقع فقط در حوزه عملیات و نوع عملیات است که می‌توان به دکترین عملیات پیش‌دستانه یا پیشگیرانه و ... هم اشاره کرد که همگی دکترین عملیات هستند. (دانش آشتیانی، ۱۳۹۱: ۶۵).

#### جهاد کبیر از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرمانده معظم کل قوا، در بیاناتی در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، فرمودند: «در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده «وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا کَبِیْرًا»؛ در سوره مبارکه فرقان است: «بِه» یعنی به قرآن، «جَاهِدْهُمْ بِه» یعنی به وسیله قرآن با آنها جهاد کن؛ «جِهَادًا کَبِیْرًا». «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد جهاد کبیر.» (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۵).

#### دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

##### ۱- دفاع از تمامیت ارضی کشورهای منطقه

سیاست‌های ما در منطقه، نقطه مقابل سیاست‌های آمریکا است. ما تمامیت ارضی کشورهای منطقه برایمان بسیار مهم [است]؛ تمامیت ارضی عراق و تمامیت ارضی سوریه، برای ما کاملاً مهم [است]؛ آن‌ها دنبال تجزیه‌اند. بنده از قبل گفتم که آمریکایی‌ها دنبال تجزیه عراق‌اند... از مقاومت



حمایت می‌کنیم، از تمامیت ارضی کشورها حمایت می‌کنیم؛ از همه کسانی که در مقابله با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آمریکا ایستادگی می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ با همه کسانی که این تفرقه‌افکنی را به‌وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم. (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۴/۰۵/۲۶).

## ۲- دفاع از دور و عمق راهبردی

یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ دفاع از دور. یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ یکی از مؤلفه‌های قدرت، عمق راهبردی ما است. حضور در کشورهای منطقه و طرف‌داری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی، عمق راهبردی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی از این نمی‌تواند صرف‌نظر کند؛ هیچ دولت عاقلی صرف‌نظر نمی‌کند. (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۲). ما غُزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُرِّ دَارِهِمْ أَلَا ذَلُّوا؛ این حدیث از معصوم (علیه السلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند. حالا بعضی‌ها هم توجه دارند و به نفع دشمن حرف می‌زنند - [مثلاً می‌گویند] «نه غزه، نه لبنان» - اما خیلی‌ها هم توجه ندارند؛ واقعیت این است. (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

## ۳- اقتدار ملی و عمق راهبردی

امروز دعوی استکبار با ما این است که چرا قدرت شما منطقه را فرا گرفته. این اقتدار جمهوری اسلامی است. آنچه از نظر ما عنصر اقتدار ملی است، از نظر دشمنان ما یک عامل مزاحم است و با آن مبارزه می‌کنند. با توسعه اقتدار جمهوری اسلامی در میان ملت‌ها در منطقه و فراتر از منطقه مخالفت می‌کنند، چون عامل اقتدار است، چون عمق راهبردی کشور است؛ با قدرت دفاعی کشور و قدرت نظامی کشور مخالفت می‌کنند؛ با هر آنچه وسیله قدرت و عنصر اقتدار ملی باشد، دشمنان ما مخالفت می‌کنند. (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۳). یکی از ابزارهای اقتدار ملی ما همین حضور ما در منطقه است؛ حضور قدرتمندانه جمهوری اسلامی در منطقه، یکی از

ابزارهای اقتدار ملی است؛ ملت را قدرتمند نشان می‌دهد و واقعاً هم هست؛ می‌خواهند این را از بین ببرند... این از ابزارهای اقتدار ملی است؛ این را می‌خواهند سلب کنند از جمهوری اسلامی. (بیانات امام خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹).

### دکترین جهادی شهید سلیمانی

به منظور بررسی مکتب شهید سلیمانی، تعریف، مجموعه‌ای از اعتقادات محکم و منسجم، رفتارهای مرتبط و نموده‌های برخاسته از اعتقادات، خلیقات و رفتار است به گونه‌ای که از فرد، شخصیتی الگو و جامع ارائه می‌کند. سردار سلیمانی مصداق چنین انسانی بود. با نگاه اول به این ویژگی‌ها، شخصی (فیلسوف) از ایشان استنباط می‌شود درحالی‌که ایشان فیلسوف و یا دارای مشرب و سبک فلسفی خاصی نبود؛ هرچند می‌توان از همه رفتارهای ایشان به اصلی از اصول فلسفه اشاره کرد. وی به صورت مألوف در مدرسه علمیه یا دانشگاه تحصیل نکرده بود؛ هرچند می‌توان ایشان را فرزند حوزه‌های علمیه و دانشگاه دانست و می‌توان برای هر باور و رفتار و روش‌های ایشان تفسیری دینی و علمی ارائه کرد و حتی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به عنوان «مظهر» تدریس شود. همان‌طور که در بیان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و در بیانیه شهادت ایشان آمده بود، شهید حاج قاسم پیرو مکتب حضرت امام خمینی (ره) بود و از این نظر هر آنچه در آموزه‌های دینی و سیاسی، اجتماعی آمده بود در وجود و رفتار این شهید تجلی داشت (زارعی، ۱۳۹۸: ۸).

سردار سلیمانی یک قهرمان ملی بود و راهبردی سیاسی - امنیتی هوشمندانه و دوجنبه‌ای در راستای تأمین منافع ژئوپلیتیک ایران داشت. ۱. افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران که یک اصل ثابت سیاست خارجی در چند دهه گذشته برای حفظ جایگاه سیاسی ایران در معادلات سیاسی منطقه‌ای و جهانی بود. این راهبرد فراتر از جنبه‌های ایدئولوژیک، محور مقاومت و وحدت اسلامی، یک جنبه کلان هم داشت و آن تقویت منابع قدرت ملی کشور و همچنین حفظ امنیت در مرزهای فوری و حلقه بزرگ‌تر امنیتی در منطقه بود. ۲. حفظ بقای کشور از طریق دفع تهدیدات متقارن (بازیگران دولتی دشمن مثل آمریکا و رژیم صهیونیستی) و تهدیدات نامتقارن (گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش که ماهیت ضدایرانی دارند). این راهبرد نوعی بازدارندگی برای کشور به وجود آورد که با امکانات، ظرفیت‌های اقتصادی و محدودیت‌های راهبردی

کشورمان در دوره تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی همخوان بود؛ بنابراین، افزایش حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران یک مبنای استراتژیک دارد که آن مبنای استراتژیک فراتر از بحث‌های ایدئولوژیک مربوط به مقاومت و مربوط به کشور ایران است زیرا افزایش حضور منطقه‌ای می‌تواند جایگاه ایران را در معادلات سیاست جهانی ارتقا دهد.

ایران کشوری با جغرافیای بزرگ و جمعیت زیاد است و این نوع کشورها وقتی نقش و قدرتش از لحاظ اقتصادی افزایش پیدا می‌کند به همان اندازه نیز خواهان ایفای نقش در عرصه روابط بین‌الملل هستند؛ یعنی به‌طور کلی وقتی قدرت کشورها بیشتر می‌شود نقش سیاسی‌شان نیز افزایش پیدا می‌کند مانند ترکیه، روسیه، چین و هند. در مورد دفاع از بقای حاکمیت هم باید توجه داشت که وقتی نام حاج قاسم می‌آید بحث‌های ایدئولوژیک مقاومت مطرح می‌شود، اما مهم‌تر از آن، بحث ملی بودن مسئله بقای حاکمیت است. اگر داعش به سمت ایران می‌آمد و یا فلات قاره، ایران دچار فروپاشی می‌شد این مسئله می‌توانست به‌صورت دومینو یک بی‌ثباتی در کل منطقه ایجاد کند. (برزگر، ۱۳۹۸: ۱۲).

ترور مظلومانه شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس از یک‌سو بیداری مردم و گروه‌های سیاسی را در پی داشت و از سوی دیگر، موجب انسجام و همگرایی بیشتر میان گروه‌های مقاومت، عموم مردم و جریانات سیاسی در عراق و حتی لبنان شد. شهادت سردار قاسم سلیمانی، لایه‌ای از شکاف و گسل اجتماعی را در محیط داخلی ایران پر کرد و انسجام ملی عمیقی در کشور ایجاد نمود. واشنگتن به‌دنبال تغییر توازن قدرت در منطقه، شهید سلیمانی را ترور کرد. سلیمانی در ارتقای قدرت و نفوذ منطقه‌ای محور مقاومت و زمینه‌سازی تحقق نابودی رژیم صهیونیستی نقش اساسی داشته است. آمریکایی‌ها برای تحقق طرح خاورمیانه بزرگ، به‌دنبال این بودند که جنگ تمدنی را به جنگ درون تمدنی و نیابتی تبدیل کنند، اما شهید سلیمانی توطئه جنگ درون تمدنی را خنثی نمود و با شکل‌گیری محور مقاومت زمینه فروپاشی رژیم صهیونیستی و افول هژمونی آمریکا را در منطقه فراهم آورد. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه فرمودند: «سپاه قدس نیرویی است که با سعه‌صدر به همه جا و همه کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرز رزمندگانی که هر جا نیاز باشد آنها در آنجا حضور پیدا می‌کنند. کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند. نیروی قدس را بلاگردان مقدسات و حریم‌های مقدس می‌کنند.» (بیانات امام خامنه‌ای؛ ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

### ۳- روش‌شناسی تحقیق

نتایج پژوهش کاربردی می‌باشد و می‌تواند مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان بخش لشکری قرار گیرد؛ لذا نوع پژوهش، توسعه‌ای - کاربردی است. در این تحقیق، پژوهشگر صرفاً دکترین نظامی را بررسی نموده است؛ بنابراین، روش تحقیق زمینه‌ای - موردی و به صورت آمیخته (کمی و کیفی) است. قلمرو تحقیق از نظر زمانی، پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق، از سال شمسی ۱۳۸۲ تا انتهای برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله یعنی سال ۱۴۰۴ شمسی؛ و از نظر مکانی، شامل منطقه غرب آسیا است. جامعه آماری این تحقیق از صاحب‌نظران و نخبگان لشکری با جایگاه سرتیپی به بالا تشکیل می‌شود که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بوده و سه سال به‌عنوان فرمانده لشکر و تیپ یا مدیر سطح ۱۸ و بالاتر انجام‌وظیفه کرده باشند. یکی از ویژگی‌های مهم جامعه نمونه این است که ۵۰٪ آنها حداقل یک سال سابقه حضور در جنگ سوریه را داشته باشند. تعداد جامعه نمونه ۵۰ نفر است. چون جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد، نمونه‌گیری به صورت تمام‌شمار است. اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای علمی و تخصصی)» گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری موردنیاز با جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. در روش میدانی، پرسش‌نامه‌ای تنظیم شد که نوزده پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی شد. در طراحی پرسش‌نامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، استادان و فرماندهان نظامی، مؤلفه‌های دکترین شهید سلیمانی شناسایی و سپس پرسش‌نامه مقدماتی تهیه و در دو مرحله بین خبرگان توزیع شد و سپس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسش‌نامه نهایی تهیه گشت. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا و توزیع دومرحله‌ای پرسش‌نامه استفاده شد و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و یک نمونه اولیه بین خبرگان و کارشناسان پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسش‌نامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۸ به دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد لازم پرسش‌نامه است.

در این تحقیق دکترین جهادی شهید سلیمانی، متغیر مستقل است و دکترین نظامی آمریکا، متغیر تابع می‌باشد.

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱- تجزیه و تحلیل جمعیت‌شناختی

جامعه آماری ۵۰ نفر است، چون جامعه مورد مطالعه کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد پس جامعه آماری مطابق با جامعه نمونه است و به همین دلیل، تحقیق به صورت تمام‌شمار انجام می‌شود. طبق جدول زیر، جامعه نمونه ۵۰ نفر است که ۳۰ نفر دارای مدرک کارشناسی بوده و سنوات خدمتی آنها بین ۲۰ تا ۲۵ سال است. ۱۵ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده و سنوات خدمتی آنها بالای ۳۰ سال است؛ بنابراین، جامعه نمونه از نظر مدرک، سنوات خدمت و تجربه حضور در جنگ سوریه دارای تجربه خوبی می‌باشند. از ۵۰ نفر جامعه نمونه تعداد ۲۸ نفر به مدت یک سال تجربه جنگ در سوریه را دارند؛ بنابراین، جامعه نمونه از نظر سنوات خدمت، مدرک تحصیلی و تجربه حضور در جنگ سوریه دارای روایی و پایایی لازم است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جامعه نمونه

ردیف	مدرک تحصیلی	سنوات خدمت	تعداد	تجربه جنگ سوریه
۱	کارشناس	۲۰ تا ۲۵ سال	۳۰ نفر	۱۶
۲	کارشناسی ارشد	۲۵ تا ۳۰ سال	۱۵ نفر	۸
۳	دکتر	۳۰ سال به بالا	۵ نفر	۴
۴	جمع کل		۵۰ نفر	۲۸ نفر

##### ۴-۲- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

به منظور تجزیه و تحلیل سؤال‌های تحقیق و بر اساس پرسش‌نامه‌های تنظیم‌شده که بین جامعه نمونه توزیع شده و پاسخ‌های اخذشده از آنها، مقادیر به دست آمده برای یافته‌ها در قالب جدول زیر درج و میانگین وضع موجود، وزن، وزن موزون و امتیاز موزون برای هر یک از سؤالات به صورت جداگانه به شرح زیر محاسبه شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده از پرسش‌نامه‌های دریافتی و طبق طیف لیکرت، پاسخ هر سؤال بر اساس گزینه خیلی زیاد (نمره ۵)، زیاد (نمره ۴)، متوسط (نمره ۳)، کم (نمره ۲) و خیلی کم (نمره ۱) محاسبه شده است. جمع ۵ نمره ۱۵ می‌شود، ۱۵

تقسیم بر ۵ گزینه حاصل آن عدد ۳ است؛ بنابراین، میانگین نمره قبولی ۳ به بالا می‌باشد یعنی عواملی که میانگین آنها بیشتر از ۳ باشد پذیرفته شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- میانگین امتیاز هر عامل از جمع امتیاز هر عامل تقسیم بر تعداد جامعه نمونه به دست آمده است، برای سؤال اول: سطح تکنیکی دکترین نظامی در جنگ آینده، امتیاز آن برابر با ۱۵۶ بوده که تقسیم بر ۵۰ جامعه نمونه شده میانگین ۳/۱۲ به دست آمده است. این عدد میانگین امتیاز سؤال اول است. برای مابقی سؤالات به همین صورت محاسبه شده است.

۲- با استفاده از نظر خبرگی و بر اساس طیف لیکرت وزن هر عامل از ۱ تا ۵ مشخص شده است، هرچه میزان اثرگذاری و اهمیت عامل زیاد باشد به همان اندازه وزن آن عامل هم زیاد است، بین وزن عامل با میزان اهمیت و اثرگذاری آن ارتباط مستقیم وجود دارد. برای سؤال اول: سطح تکنیکی دکترین نظامی در جنگ آینده، وزن ۳ محاسبه شده است. این عدد میانگین ۵۰ وزنی است که جامعه نمونه به این سؤال وزن داده‌اند.

۳- میانگین امتیاز هر عامل بر جمع کل میانگین امتیاز تقسیم شده و وزن موزون هر عامل به دست آمده است؛ مثلاً میانگین سؤال اول: مبارزه در دو جنگ و یک درگیری برابر با ۲/۸۲ است. این عدد تقسیم بر ۶۶ شده و وزن موزون آن ۰/۴۲ می‌باشد.

۴- وزن موزون هر عامل ضربدر میانگین کل شده و امتیاز وزن موزون هر عامل به دست آمده است؛ مثلاً امتیاز موزون سؤال اول: مبارزه در دو جنگ و یک درگیری برابر با ۱/۴۵ است. برای این کار ۰/۴۲ ضربدر ۳/۴۷ شده و نتیجه ۱/۴۵ به دست آمده است.

۵- برای اطمینان از دقیق بودن محاسبات جدول، نحوه ساخت آمارهای توصیفی طبق مراحل زیر است:

- عدد جمع کل امتیازات و وزن سؤالات باید برابر هم باشد، در این جدول هر دو عدد ۵۷ است.
- عدد میانگین کل، وزن و امتیاز موزون هر سه باید برابر هم باشد، در این جدول هر سه عدد ۳/۴۷ است.

• جمع کل وزن موزون باید عدد ۱ باشد، در این جدول جمع کل وزن موزون ۱ است. باتوجه به دقیق بودن مراحل بالا، نتیجه می‌گیریم که از یک طرف یافته‌ها و پاسخ‌های دریافتی دقیق و مؤثر بوده و از سوی دیگر محاسبات جدول شماره ۲ شامل میانگین امتیاز عوامل - وزن عوامل - وزن

موزون عوامل - امتیاز موزون به طور دقیق محاسبه شده و دارای روایی و پایایی معتبر و لازم می‌باشند. جدول شماره ۴: میانگین پاسخ‌های دریافتی در زمینه تقابل دکترین جهادی شهید سلیمانی با دکترین نظامی آمریکا

امتیاز موزون	وزن موزون	وزن	میانگین امتیاز	دکترین نظامی	
۱/۱۴۵	۱/۰۴۲	۲	۲/۸۲	۱- مبارزه در دو جنگ و یک درگیری	دکترین نظامی آمریکا
۱/۱۲۸	۱/۰۳۷	۳	۲/۴۷	۲- برتری همه‌جانبه (دکترین بازدارندگی)	
۱/۲۱۸	۱/۰۶۳	۴	۴/۱۷	۳- شوک و بهت (دکترین ابهام)	
۱/۲۴۲	۱/۰۷۰	۵	۴/۶۵	۴- دکترین جنگ نیابتی	
۱/۲۱۸	۱/۰۶۳	۳	۴/۱۵	۵- دکترین ائتلاف‌سازی ترکیبی	
۱/۱۱۴	۱/۰۳۳	۲	۲/۱۷	۶- دکترین دفاعی	
۱/۱۵۶	۱/۰۴۵	۳	۲/۹۵	۷- پیروز شدن بدون جنگیدن و شکست دادن بدون پیروز شدن	
۱/۰۵۸	۱/۰۱۷	۱	۱/۱۴	۸- دکترین تهاجمی	دکترین جهادی شهید سلیمانی
۱/۲۳۵	۱/۰۶۸	۴	۴/۴۹	۹- دکترین تدافعی مردم‌پایه	
۱/۲۲۲	۱/۰۶۴	۵	۴/۲۲	۱۰- دکترین بازدارندگی مردم‌پایه	
۱/۱۳۵	۱/۰۳۹	۲	۲/۳۵	۱۱- دکترین پیش‌دستانه	
۱/۱۱۴	۱/۰۳۳	۲	۲/۱۹	۱۲- دکترین پیشگیرانه	
۱/۲۵۶	۱/۰۷۴	۵	۴/۸۷	۱۳- دکترین مقاومت شبکه‌ای فعال	
۱/۲۶۰	۱/۰۷۵	۵	۴/۹۳	۱۴- دکترین سرباز بدون مرز	
۱/۲۴۹	۱/۰۷۲	۵	۴/۷۸	۱۵- دکترین آتش به‌اختیار	
۱/۱۵۲	۱/۰۴۴	۳	۲/۸۹	۱۶- دکترین تدافعی	
۱/۲۰۸	۱/۰۶۰	۴	۳/۹۴	۱۷- دکترین دفاعی تهاجم‌پایه	
۱/۱۵۶	۱/۰۴۵	۳	۲/۹۵	۱۸- دکترین تهاجمی	
۱/۲۰۴	۱/۰۵۹	۵	۳/۸۹	۱۹- دکترین بازدارندگی آتش به‌اختیار	
۳/۴۷	۱	۶۶	۶۶	جمع کل	
۱/۱۸۲	۱/۰۵۲	۳/۴۷	۳/۴۷	میانگین کل	

طبق جدول شماره ۲ میانگین کل برابر است با ۳/۴۷ بنابراین عواملی که میانگین آنها کمتر از عدد ذکر شده است، مورد تأیید قرار نمی‌گیرند. تعداد ۱۹ سؤال به جامعه نمونه واگذار شده است، ۹ سؤال آن به علت نمره کمتر از حد نصاب ۳/۴۷ تأیید نشده و ۱۰ سؤال آن به علت اخذ نمره بالاتر از میانگین تأیید شده است.

در بخش دکترین نظامی آمریکا، سؤال‌های ۱ و ۲ و ۶ و ۷ تأیید نشده‌اند؛ بدان معنی که دکترین نظامی آمریکا طی بیست سال گذشته در موارد زیر شکست خورده و هیچ‌کدام از این موارد نبوده است: مبارزه در دو جنگ و یک درگیری، برتری همه‌جانبه (دکترین بازدارندگی)، دکترین دفاعی، پیروز شدن بدون جنگیدن و شکست دادن بدون پیروز شدن.

در بخش دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران، سؤال‌های ۸ و ۱۱ و ۱۲ تأیید نشده است، بدان معنی که دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران طی ۲۰ سال گذشته هیچ‌کدام از موارد زیر نبوده است: دکترین تهاجمی، دکترین پیش‌دستانه و دکترین پیشگیرانه.

در بخش دکترین جهادی شهید سلیمانی، سؤال‌های ۱۶ و ۱۸ تأیید نشده است، بدان معنی که دکترین جهادی شهید سلیمانی طی بیست سال گذشته هیچ‌کدام از موارد زیر نبوده است: دکترین تدافعی و دکترین تهاجمی.

دکترین جهادی شهید سلیمانی موجب کاهش هژمونی و قدرت آمریکا در منطقه شد، به طوری که با انتقال قدرت از غرب به محوریت آمریکا به منطقه غرب آسیا سبب شکل‌گیری جبهه مقاومت و تقابل محور مقاومت با محور غرب - عبری و سعودی شد. این انتقال قدرت از غرب به جبهه مقاومت، باعث برهم‌زدن توازن قوای جهان تک‌قطبی شده و امروز شاهد جهان چندقطبی و چند قدرتی مثل چین، روسیه و جبهه مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران هستیم. انتقال قدرت به معنای یک تحول استراتژیک در موازنه قدرت منطقه غرب آسیا است که بدون تردید، افزایش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت جمهوری اسلامی ایران و تضعیف و کاهش قدرت و جایگاه آمریکایی‌ها را در پی خواهد داشت. دکترین نظامی آمریکا مبتنی بر جنگ نیست، بلکه راهبرد تهدید با به‌کارگیری بازیگران فرودولتی و بازدارندگی را تعقیب خواهد کرد. ائتلاف‌سازی جدید آمریکا بر اساس ادغام فزاینده کشورهای در نظام امنیتی انجام خواهد شد مانند آنچه در الگوی امنیتی اروپا پس از پایان جنگ



جهانی دوم انجام شد. در این راستا، بلوک‌های امنیتی جدیدی جهت حضور و نفوذ آمریکا در منطقه ایجاد خواهد شد. طبق قانون اساسی دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران تدافعی است، لذا دکترین جهادی شهید سلیمانی هم تهاجمی و مبتنی بر جنگ نیست، بلکه مبتنی بر دفاع است؛ اما شکل و نوع دفاع را تغییر داده است، به این معنی که دفاع دارای سه سطح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی است. دفاع در سطح تاکتیک و عملیات از نوع تهاجمی است، اما در سطح راهبرد از نوع تدافعی است. این سطح‌بندی از یک‌طرف موجب افزایش توان بازدارندگی نیروهای مسلح شده و از سوی دیگر موجب آزادی عمل و پاسخ به‌موقع به تهدیدات آنی و لحظه‌ای می‌شود. دکترین نظامی شهید سلیمانی برگرفته از منویات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) اقدام در مقابل اقدام یا تهدید در مقابل تهدید از طریق مقاومت فعال بود. چنین دکترینی زمانی موفق است که آتش به‌اختیار باشد. شکست‌های راهبردی دکترین نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا، نتیجه حضور ایران در منطقه و «محور مقاومت» است. منطبق این موفقیت‌ها ریشه در دکترین جهادی شهید سلیمانی دارد که سیاست دفاعی آن صرفاً دفاع از سرزمین خود نیست بلکه ایجاد و بسط «هویت مقاومتی فرامذهبی» در جغرافیای منطقه است. تحولات منطقه غرب آسیا زمینه‌های این هویت‌یابی را روزبه‌روز بیشتر ایجاد می‌کند. پس روند راهبردی تحولات جاری به نفع قدرت فزاینده انقلاب اسلامی است و آمریکا و متحدانش نیز متوجه این امر شده‌اند و به دنبال الگوگیری به نفع خود (مثل طرح ناکام ناتوی عربی) یا خشکاندن این پیوندها از طریق تحریم هستند.

#### ۴-۳- تجزیه و تحلیل سؤال فرعی اول تحقیق: دکترین نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا

آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، سه نوع دکترین نظامی را در منطقه غرب آسیا اعمال نمود: الف) دکترین نظامی ابهام (شوک و بهت) در حمله نظامی به افغانستان و جنگ اول عراق از این دکترین استفاده نمود و با ایجاد رعب و وحشت در منطقه قصد ناامن کردن منطقه غرب آسیا داشت. ایجاد ناامنی در منطقه زمینه حضور نظامی آمریکا در منطقه را فراهم می‌آورد. ب) دکترین نظامی جنگ نیابتی: حضور نظامی آمریکا در سوریه و جنگ دوم عراق بر اساس جنگ نیابتی و استفاده از نیروهای رسمی و غیررسمی و یا نیروهای فراملی و ملی برخی از کشورهای مرتجع منطقه بود. پ) دکترین نظامی ائتلاف‌سازی ترکیبی: آمریکا پس از شکست‌های پی‌درپی در منطقه و

متعاقب آن افزایش هزینه نظامی، به دنبال ائتلاف سازی با کشورهای اروپایی و منطقه‌ای رفت، اتخاذ این دکترین بیانگر کاهش هژمونی و نشانه ضعف آمریکا بود. به علت استقراری بودن امنیت کشورهای منطقه، مثل عربستان سعودی، آمریکا شیوه حضور و نحوه اقدام خود را در منطقه تغییر داده است. در این دکترین هم بابت حضور خود در منطقه و هم از طریق فروش سلاح و تجهیزات از عربستان سعودی پول مضاعف دریافت می‌کند.

۴-۴- تجزیه و تحلیل سؤال فرعی دوم تحقیق: دکترین جهادی شهید سلیمانی در منطقه غرب آسیا طبق قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی مثل برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله، دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران همواره تدافعی و بازدارندگی و مردم‌پایه بوده است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر اساس دکترین «مقاومت شبکه‌ای فعال» در محیط امنیتی و مناطق مرزی گسترش یافته و در حال انجام مأموریت می‌باشند. بر اساس این دکترین، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همواره به دنبال مدیریت ضربه اول و بلافاصله اقدام متناسب و متقابل بوده‌اند. اقدام متقابل به صورت آتش به اختیار و تهاجمی انجام شده است، البته معنی این اقدام، تهاجم نیست؛ بلکه همان دکترین نظامی دفاعی است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران دکترین دفاعی مردم‌پایه را به سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم کرده‌اند. دکترین نظامی در سطح راهبردی، دفاع‌پایه است، بازدارندگی، بازدارندگی پایه و در سطح تاکتیکی تهاجمی پایه است؛ بنابراین، سقوط پهپاد آمریکایی یک اقدام دفاعی تهاجم‌پایه و آتش به اختیار بوده است، یعنی ذات و اصل آن دفاعی بوده؛ اما شیوه اقدام، تهاجمی بوده است. بر اساس اسناد بالادستی، جمهوری اسلامی ایران هیچ‌وقت به دنبال دکترین نظامی تهاجمی و پیش‌دستانه و پیشگیرانه نبوده است. دکترین جهادی شهید سلیمانی در چهارچوب دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران بوده است. شهید سلیمانی برای اولین بار در طول تاریخ نظامی جهان بنیان‌گذار راهبرد «سرباز بدون مرز» بود که مورد تأکید امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قرار گرفت. شهید سلیمانی بنیان‌گذار دو نوع دکترین جهادی در جهان شد:

۱- دکترین دفاعی با رویکرد تهاجم‌محور و «آتش به اختیار» در محیط دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران (داخل کشور)، بر اساس اسناد بالادستی دکترین نظامی اعلامی جمهوری اسلامی ایران

تدافعی و بازدارندگی است، نوع عملکرد شهید سلیمانی عملاً این دکترین را به آتش به اختیار با رویکرد تهاجمی تغییر داد. نمونه آن را می‌توان رفتار منفعلانه آمریکا در موضوع انهدام پهپاد آمریکایی، دستگیری ملوانان متجاوز آمریکایی و غیره، وحشت و ناتوانی ارتش آمریکا جهت رویارویی نظامی با ایران را بیان نمود.

۲- دکترین بازدارندگی و «آتش به اختیار» در جبهه مقاومت (منطقه غرب آسیا)، اتخاذ این دکترین باعث تغییر موازنه قدرت در جهان شد. برای این کار با ترکیب قدرت متقارن و نامتقارن نیروهای مقاومت، نیروی مقاومت فعال و «آتش به اختیار» را در مقابل رژیم صهیونیستی و آمریکا تشکیل داد. شهید سلیمانی برای تحقق این دکترین با اجرای الگوی جنگ شبکه‌ای و جنگ شبکه‌محور، توانست شبکه‌های محلی از نیروهای محلی را در کشورهای دوست ایجاد کند تا نیروهای مخالف ایران را فراتر از مرزهای کشور سرکوب کنند، این اقدام یک شاهکار نظامی فوق‌پیشرفته، هوشمند و راهبردی است. در الگوی جنگ شبکه‌ای گروه‌های جهادی را متناسب با فرهنگ، هویت، مذهب و غیره در غالب یگان‌های کوچک، چالاک و چابک سازمان‌دهی نموده و آنها را به‌صورت گله‌زنبوری برای اجرای عملیات‌های کوچک و «لکه‌جوهری» به‌کار می‌گرفت. یعنی مسئولیت هر محور به یک شبکه هم‌نوع و هم‌جنس می‌داد. در الگوی جنگ شبکه‌ای هر یک از گروه‌های جهادی مثل فاطمیون، حیدریون، ینبیون و حزب‌ا...، هر کدام یک شبکه مستقل تحت فرماندهی رئیس شبکه بودند. در الگوی جنگ شبکه‌محور با فرماندهی اخلاق‌پایه، نیروهای چندملیتی و چندمذهبی، شبکه‌های بالا را تحت راهبری خودش از طریق یک شبکه مرکزی فرماندهی و هدایت می‌کرد. الگوی جنگ شبکه‌محور از شبکه‌های مختلف تشکیل شده است؛ مثلاً ترکیب شبکه فاطمیون با حیدریون و زینبیون و حزب‌ا... . غیره.

### پیامدهای مهم دکترین جهادی شهید سلیمانی بر اساس تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک

۱- هویت‌بخشی به محور مقاومت: در واقع، شکل‌گیری جریانات مقاومت به‌عنوان یکی از شعارهای مهم انقلاب اسلامی به معنای ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت‌های زیاده‌طلب برای احقاق حقوق خود بود، موجب اتحاد جریان‌های منطقه به‌ویژه در برابر رژیم اشغالگر قدس شد.

ساختار شکنی بین‌المللی، اقتدار و امنیت رژیم صهیونیستی را در مجموعه امنیتی غرب آسیا با تهدید روبه‌رو کرده است.

۲- **پیوند و اتصال جغرافیایی محور مقاومت:** محور غربی - عربی - عبری برای از بین بردن هلال شیعی که به قول خودشان از لبنان تا ایران تداوم دارد، اقدام به تشکیل گروه تروریستی - تکفیری داعش کردند. تا قبل از ظهور داعش، پیوند جغرافیایی مستحکمی که محور مقاومت را به هم وصل کند، نبود و بسیاری از گروه‌هایی که بعدها با جریان مقاومت همسو شدند زمینه ظهور در جغرافیای منطقه را نیافته بودند. از طرف دیگر، نقش آمریکا در عراق بسیار زیاد بود و اجازه فعالیت به جریان انقلابی نمی‌داد. با ظهور داعش و ورود نیروی قدس به جریان مبارزه با داعش، پیش‌بینی کمپین غربی - عربی - عبری درست از آب در نیامد و با پیروزی‌های بزرگ محور مقاومت، نقشه شوم آنان نقش بر آب شد. برعکس، نیروی قدس به فرماندهی شهید سلیمانی پیوندی جغرافیایی بین ایران، عراق، سوریه و لبنان به وجود آورد که می‌تواند مسیر مطمئن و امنی برای پشتیبانی از محور مقاومت در مقابله با رژیم صهیونیستی باشد. این پیوند جغرافیایی از لحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیکی بسیار مهم است و رژیم صهیونیستی و آمریکا را به هراس انداخته است؛ لذا حملات مکرر رژیم صهیونیستی به پایگاه‌های مقاومت حزب‌الله در سوریه و حمله آمریکا به نیروهای حشدالشعبی در داخل عراق و مرز عراق و سوریه در این راستا است که درصددند این پیوند جغرافیایی را قطع کنند.

۳- **تقویت توان موشکی محور مقاومت:** در دوران فرماندهی سردار شهید سلیمانی، سپاه قدس به منظور بازدارندگی رژیم صهیونیستی از تجاوز به سرزمین‌های مسلمان از جمله حزب‌الله در جنوب لبنان و حماس در نوار غزه اقدام به تقویت توان موشکی و پهپادی کرد. تسلیح موشکی محور مقاومت با هدف تغییر معادله قدرت نظامی بین محور مقاومت و رژیم صهیونیستی صورت پذیرفت. انتقال تجهیزات، آموزش، تعمیر و نگهداری موشکی به لبنان از جمله کارهای خارق‌العاده‌ای بوده است که با هدایت و فرماندهی این سردار شهید انجام پذیرفت. تولید قدرت موشکی از مؤلفه‌های قدرت‌زای محور مقاومت است که حاصل تلاش و جان‌فشانی سردار شهید قاسم سلیمانی است. قدرت موشکی محور مقاومت باعث تغییر معادله قدرت و تغییر سیاست

دفاعی - هجومی رژیم صهیونیستی شد و هم‌اکنون رژیم صهیونیستی قدرت و جرأت تجاوزگری ندارد و سیاست تدافعی و حفظ مرزهای فرضی‌اش در اولویت قرار دارد.

۴- شبکه‌سازی و مردم‌پایه کردن محور مقاومت: استفاده از ظرفیت‌های اعتقادی، ایدئولوژیک و سیاسی مردم جغرافیای محور مقاومت با هر مذهب و قومیتی مورد تأکید سردار شهید سلیمانی است. در جنگ با داعش که به ظاهر یک نیروی سنی وهابی است و نمایندگی جریان عبری - عربی - غربی را بر عهده دارد، سردار سلیمانی تلاش دارد مجموعه‌ای از نیروهای شیعی، سنی، علوی، مسیحی، عرب، افغان، ایرانی، پاکستانی، سوری و عراقی را در کنار هم فرماندهی کند. در عراق با ظهور داعش به مدد کردها می‌شتابد و با فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی نیروی حشدالشعبی را با فرماندهی شهید ابومهدی المهندس تشکیل می‌دهد. در سوریه، نیروی دفاع ملی که به «بسج مردمی» معروف شد با پیشنهاد سردار شهید همدانی و هدایت شهید سلیمانی تشکیل شد. بسج مردمی سوریه متشکل از گروه‌های شیعه، سنی، علوی و مسیحی در مناطق مختلف این کشور بود.

### نتیجه‌گیری

تصریح بر اینکه «نیروی قدس بدون مرز است» دست‌کم دو دلالت مهم و کلیدی دارد: نخست آن‌که در حوزه پاسداری از انقلاب اسلامی و صدور انقلاب اسلامی، ما با یک تغییر در سطح عملیاتی روبه‌رو خواهیم بود و آن توسعه گستره تأثیر نیروی قدس از تمرکز در غرب آسیا به سطح بین‌المللی است؛ و دوم، تغییر از یک سیاست اعمالی به یک سیاست اعلامی و صریح در حوزه راهبردی است.

بر این اساس، آنچه تاکنون با عنوان «عمق راهبردی» نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شناخته‌ایم در چشم‌اندازی عمیق‌تر و گسترده‌تر قابل‌تصور خواهد شد و امتداد عمق راهبردی نظام، مصداقی نوین خواهد یافت. هرچند مبانی این تصمیم راهبردی در سخنان رهبر انقلاب، این‌چنین طرح شده بود: «این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه خودمان: ما عَزَى قَوْمٍ قَطُّ فِی عَقْرِ دَارِهِمْ أَلَا ذَلُوا! <sup>۱</sup> این حدیث از معصوم

<sup>۱</sup> - خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه

(علیه السلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جویری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند. حالا بعضی‌ها هم توجه دارند و به نفع دشمن حرف می‌زنند - [مثلاً می‌گویند] «نه غزه، نه لبنان» - اما خیلی‌ها هم توجه ندارند؛ واقعیت این است. این نگاه به این منطقه وسیع جغرافیایی که جزو وظایف و جزو مسئولیت‌های سپاه است، نگذارید در داخل سپاه تضعیف بشود.» (بیانات رهبری؛ ۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

#### ۱- پاسخ سؤال اول فرعی: دکترین نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا

راهبرد فعلی آمریکا در منطقه به‌نوعی یک راهبرد تضعیف مرحله‌ای رقبای ناسازگار با اهداف خود است. شکست‌های آمریکا در جنگ‌های منطقه‌ای در دو دهه گذشته، عطش جنگ را در سیاست داخلی آمریکا کاهش داده است. زمانی آمریکا توان این را داشت که وارد جنگی شود، اما خروج از آن هیچ‌وقت برای آمریکا آسان نبوده و با مقاومت ملت‌های منطقه مانند عراق و افغانستان روبه‌رو شده است. بر این مبنا، اکنون آمریکا ترجیح می‌دهد که به‌طور غیرمستقیم و از طریق نیروهای نیابتی، حال به شکل استفاده از رژیم‌های طرفدار خود در منطقه یا گروه‌های شبه‌نظامی یا جنگ‌های جاسوسی، سایبری، پهپادی و... که هزینه کمتری دارد، رقبای خود را وادار به سازش یا نابود کند. آمریکا بر این اساس استراتژی مبارزه با القاعده و داعش را در روند زمان و به‌طور تدریجی انجام داد. اکنون سیاست «فشار حداکثری» آمریکا در مواجهه با ایران هم بر همین مبنا است تا با تضعیف مرحله‌ای، کشورمان از درون دچار فروپاشی شود. در این راستا، به خیال آمریکا، حذف سردار سلیمانی می‌تواند منجر به تغییر رفتار منطقه‌ای و تضعیف نقش ایران در میان متحدان خود شود.

آمریکا به بهانه دفاع از خود، بر اساس چهار نوع دکترین نظامی پس از ۱۱ سپتامبر وارد منطقه غرب آسیا شد: الف) مبارزه در دو جنگ و یک درگیری؛ ب) برتری همه‌جانبه؛ پ) دکترین دفاعی؛ و ت) پیروز شدن بدون جنگیدن و شکست دادن بدون پیروز شدن. دکترین نظامی آتش

به‌اختیار و دفاع تهاجم‌پایه شهید سلیمانی باعث شکل‌گیری مقاومت فعال در منطقه غرب آسیا شد، دکترین مقاومت فعال موجب شکست هر چهار نوع دکترین نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا شد. پس از شکست‌های پی‌درپی، سه نوع دکترین نظامی جدید را در منطقه اعمال نمود: ۱- شوک و بهت (دکترین ابهام)؛ ۲- دکترین جنگ نیابتی؛ و ۳- دکترین ائتلاف‌سازی ترکیبی. آمریکا در دکترین‌های جدید هم موفقیت نداشت و در حال حاضر مجبور به ترک منطقه و کاهش شدید نیروهای نظامی خود در منطقه غرب آسیا شده است.

## ۲- پاسخ سؤال دوم فرعی: دکترین جهادی شهید سلیمانی در منطقه غرب آسیا

جمهوری اسلامی ایران بر اساس دریافت تهدید، عمق راهبردی خود را تعیین کرده است، اکنون به دلیل خاصیت دفاعی، عمق استراتژیک ایران، «لبنان و سوریه» است. تهدیدات پیرامون جمهوری اسلامی ایران به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: آمریکا، رژیم صهیونیستی، هرج و مرج منطقه‌ای از جمله تروریسم، نظم جهانی و با فاصله زیاد عربستان. بنابراین حضور ایران در سوریه یا لبنان یک حضور تدافعی و با هدف بازدارندگی است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هیچ کشوری نتوانسته یک ارتش چندملیتی با فرماندهی واحد ایجاد کند. در جنگ عراق یا آزادسازی کویت، ارتش‌ها به صورت ائتلافی وجود داشته‌اند ولی آنها یک ارتش واحد نبودند بلکه ائتلافی از ارتش‌ها بودند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران توانست برای اولین بار یک ارتش واحد چندملیتی ایجاد کند. باید توجه داشت که ایران یک کشور خاص درون منطقه است که به وسیله دشمنان محاصره شده است. از زمان‌های قدیم نیز قدرت‌های بزرگ نگاه طمع‌آمیزی به ایران داشتند؛ بنابراین، از قدیم حضور قوی منطقه‌ای ایران یک اصل مهم سیاست خارجی کشور محسوب می‌شده است. این حضور منطقه‌ای نیز به روش‌های مختلف انجام می‌گرفته است. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع فرماندهان سپاه، حاوی جهشی چشمگیر در تثبیت قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی بود که بدون تردید دکترین جهادی شهید سلیمانی جهت تقابل با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود؛ «نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت»، «نگاه وسیع فرامرزی»، «قناعت نکردن به منطقه خودمان» و «امتداد عمق راهبردی» کلیدواژه‌هایی راهبردی هستند که هر کس اندکی از سیاست بین‌الملل بداند متوجه معانی و الزامات آن می‌شود.

ویژگی‌های دفاع رو به جلوی ایران تا به حال در حد و اندازه تبدیل شدن ایران به یک بازیگر منطقه‌ای فعال بوده است؛ اکنون این نتیجه به دست آمده و دشمن به دنبال جلوگیری از تثبیت و نهادینه شدن این وضعیت است. اقتضای دکترین جدید راهبردی انقلاب اسلامی این است که فراتر از تثبیت این قدرت در منطقه خود، به دنبال تقویت نقش در ایجاد همان الگوی موفق باشیم که انقلاب اسلامی را تا به این مرحله از قدرت رسانده است.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مردم‌پایه بوده و بر اساس دکترین «مقاومت شبکه‌ای فعال» دکترین نظامی را در سطح راهبردی، دفاع‌پایه، در سطح عملیاتی، بازدارندگی پایه و در سطح تاکتیکی تهاجمی پایه تعریف نموده است. دکترین نظامی تهاجمی و پیش‌دستانه و پیشگیرانه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه نظامی امامین انقلاب اسلامی جایگاهی ندارد؛ بنابراین، دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران همواره تدافعی تهاجم‌پایه و بازدارندگی آتش به‌اختیار بوده است. بر اساس این دکترین همیشه به دنبال مدیریت ضربه اول و سپس انتقام عمیق و نقطه‌ای و سخت از دشمن هستند.

اقدامی که سردار سلیمانی انجام داد این بود که توانست با هزینه کم، شبکه‌های بومی از نیروهای محلی را در کشورهای دوست ایجاد کند که این اقدام یک شاهکار نظامی فوق پیشرفته، هوشمند و استراتژیک محسوب می‌شود. این شاهکار نظامی ترکیب قدرت متقارن و نامتقارن بود که براساس آن شبکه‌های محلی طرفدار ایران بسیج شدند و با عمق‌بخشی خارجی، نیروهای مخالف جمهوری اسلامی ایران را فراتر از مرزهای کشور سرکوب کردند. این در حالی است که آمریکایی‌ها که میلیاردها دلار هزینه کرده بودند تا عراق، افغانستان یا سوریه را به دست بیاورند اصلاً از این وضعیت راضی نبودند؛ بنابراین، این راهبرد ایران در منطقه بسیار برای کشور کارساز بوده است. سردار سلیمانی با این راهبرد، تعادل در روابط با قدرت‌های بزرگ یعنی روسیه و آمریکا در بحران سوریه به وجود آورد، نقش سرکش دولت ترکیه در عراق و سوریه را مهار کرد، موازنه وحشت در روابط با رژیم صهیونیستی ایجاد کرد، عراق را از کمپ دشمنان خارج و به حلقه دوست ایران در جهان عرب تبدیل کرد و از این طریق بر نقش منطقه‌ای و چانه‌زنی ایران در روابط با کشورهای غربی افزود. شهید سلیمانی بر اساس مبانی دینی، اسناد بالادستی و در



چهارچوب دکترین جمهوری اسلامی ایران، طبق طراحی قبلی و به‌طور سازمان‌یافته همواره دو نوع دکترین جهادی را در دستور کار خود قرار داده بود: الف) دکترین دفاعی با رویکرد تهاجم‌محور و «آتش به اختیار»؛ و ب) دکترین بازدارندگی و «آتش به اختیار» در جبهه مقاومت. برای تحقق این دکترین با اجرای الگوی جنگ شبکه‌ای و جنگ شبکه‌محور توانست عمق استراتژیک دفاعی جمهوری اسلامی ایران را در فرامرزاها توسعه دهد.

برخلاف سخنان پمپئو و ترامپ که گفته‌اند جهان و منطقه بدون سلیمانی امن‌تر خواهد بود، فضای موجود منطقه‌ای بعد از ترور سردار سلیمانی، ناامن‌تر و نشانه‌های آشوب و درگیری بیشتر خواهد بود. در واقع، می‌توان گفت شهادت سردار سلیمانی، آغاز پایان حضور آمریکا در منطقه غرب آسیاست. پیش‌بینی می‌شود مسیر تحولات آینده از جمله فرار تروریست‌های آمریکایی از منطقه، تقویت وزن محور مقاومت، فروپاشی رژیم صهیونیستی و تجزیه برخی از کشورهای مرتجع عربی با سرعت و شتاب بالایی انجام خواهد شد. بر اساس نظر اغلب خبرگان، دکترین نظامی شهید سلیمانی بیشتر جنبه فرهنگی - سیاسی داشته است؛ به عبارتی دیگر، دکترین جهادی شهید سلیمانی، فرهنگ پایه و سیاست‌محور بوده است. مهم‌ترین پیامدهای دکترین جهادی - نظامی شهید سلیمانی عبارت‌اند از: الف) هویت‌بخشی به محور مقاومت؛ ب) پیوند و اتصال جغرافیایی محور مقاومت؛ پ) تقویت توان موشکی محور مقاومت؛ و ت) شبکه‌سازی و مردم‌پایه کردن محور مقاومت.

### پیشنهادات

- بر اساس دکترین جهادی شهید سلیمانی، سیاست دفاعی و راهبرد نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نوشته شود؛
- دکترین جهادی مردم‌پایه بر اساس مقاومت شبکه‌ای فعال و گروه‌های جهادی مبارز و همسو جهت جبهه مقاومت تدوین شود؛
- نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران دکترین نظامی آتش به‌اختیار را در وضعیت دفاعی در دستور کار خود قرار دهند؛

- دکترین تدافعی «تهدید محور» است، رویکرد تهدید محوری علاوه بر هزینه زیاد، به بازدارندگی و حفظ وضع موجود ختم می‌شود، بازدارندگی چنانچه مؤثر نباشد به جنگ تبدیل خواهد شد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود نیروهای مسلح دکترین بازدارندگی تهاجم محور و فراکنشی را جایگزین دکترین بازدارندگی و واکنشی نمایند؛
- دکترین جهادی شهید سلیمانی «امنیت محور» است، رویکرد امنیت محوری چون فرصت ساز و توان محور است، به «قدرت افکنی و قدرت سازی و قدرت افزایی» ختم می‌شود، این رویکرد کم هزینه، توان محور و توسعه ساز است، به همین دلیل مانع از تهاجم دشمن می‌شود؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد نیروهای مسلح در سطح عملیات و تاکتیک، دکترین دفاعی تهاجم محور و فراکنشی را جایگزین دکترین دفاعی و واکنشی نمایند.

## منابع

- بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا (مدظله‌العالی)، قابل دسترس در پایگاه اینترنتی به آدرس: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
- نهج‌البلاغه. (۱۳۹۰). ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات اشکذر.
- برزگر، کیهان. (۱۳۹۸). *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۴۸۲۱ شماره خبر ۳۶۲۳۰۶۰
- پورشاسب، عبدالعلی. (۱۳۹۷). بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیک در تعیین دکترین نظامی، *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۸ (۳۰).
- تهامی، مجتبی. (۱۳۸۴). *امنیت ملی*، ج ۲، تهران: نشر آجا.
- جمشیدی، محمدحسن. (۱۳۸۳). *مبانی و تاریخ اندیشه نظامی ایران*، تهران: انتشارات دافوس سپاه.
- دانش‌آشنیانی، محمدباقر. (۱۳۹۱). *مدیریت راهبرد دفاعی - امنیتی*، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- رئوفی‌نژاد، محمد. (۱۳۹۸). *نقش آموزه‌های اعتقادی نظام اسلام در دکترین عملیاتی سپاه*، تهران: انتشارات دعا.
- زارعی، سعدالله. (۱۳۹۸). *مکتب شهید سلیمانی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه مقاومت و دفاع مقدس.
- سامرز، هارجی. (۱۳۷۱). دکترین نظامی دستورالعمل برای طراحی نیروها، *بررسی‌های نظامی*، ۳ (۱۲).
- سعیدی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). *فرهنگ توصیفی مفاهیم راهبردی*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قنبری‌چهرمی، محمدحسین. (۱۳۸۷). دکترین نظامی و فرایند شکل‌گیری آن، *مطالعات دفاعی - امنیتی*، ۱۵ (۵۷).
- نوروزی، محمدتقی. (۱۳۸۵). *فرهنگ دفاعی - امنیتی*، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت، تهران: انتشارات سنا.
- مولر، کارل. (۱۳۸۶). *ضربه نخست: حمله پیش‌دستانه و پیشگیرانه در سیاست امنیت ملی آمریکا*، ترجمه محمود یزدان‌فام، *مطالعات راهبردی*، ۱۰ (۳۶)، ۳۸۳ - ۳۹۹.
- F. Horton & Son Butchers (1997) Chapel Lane, Totternhoe, LU6 2BZ Dunstable, UK - Rated 5 based on 2 Reviews "A traditional butchers that doesn't fail to...
- Posen, Barry, (1984) *The Sources of Military Doctrine: France, Britain, and Germany Between the World Wars*. Cornell University Press. ISBN 0-8014-9427-3, p. 13.
- Yarger. Harry (2006). *Strategic Theory for the 21 Century*. The Little Book on bic Strategy. Available at [www.Strategicstudiesinstitute.Army.mil](http://www.Strategicstudiesinstitute.Army.mil)